

مناسبات فرهنگی عامل نفوذ آمریکا در ایران

یدالله سپهری^۱ محمدحسین پندار^۲ فریا ایری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

چکیده:

ایران همواره سهم عمده‌ای در برنامه‌های اقتصادی و فرهنگی سیاست خارجی آمریکا داشته است که می‌تواند به دلایل همسایگی ایران با شوروی، وجود منابع عظیم نفتی، موقعیت استراتژیک خاص در غرب آسیا و خلیج فارس و عوامل دیگر باشد. هدف علمی این پژوهش، بررسی مراحل نفوذ و سلطه فرهنگی آمریکا بر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی است. میسونرها اولین سربازان فرهنگی دولت آمریکا بودند که فرهنگ و آموزش‌های آمریکایی را در خارج از مرزهای آمریکا اشاعه می‌دادند. در سال‌های پس از جنگ جهانی اول تا به قدرت رسیدن رضاشاه، چشم بسیاری از دولتمردان ایرانی با آمریکا دوخته شده بود و این درحالی بود که در آن زمان فعالیت‌های فرهنگی آمریکا در ایران کمابیش تداوم داشت. بعد از جنگ جهانی دوم نفوذ و سلطه فرهنگی آمریکا در ابعاد وسیع و گسترده‌ای در سیاست خارجی منطقه غرب آسیا و به‌خصوص ایران نمایان گشت. در واقع آمریکایی‌ها پس از جنگ جهانی دوم، بر این باور بودند که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش منبع تولید مهمی است که می‌تواند زمینه‌های رشد اقتصادی و نوسازی را فراهم آورد. تشکیل و تقویت نهادهایی که در عرصه جهانی فعالیت داشتند، نظیر آژانس بین‌المللی توسعه آمریکا، طرح مارشال، سپاه صلح، اصل چهار، کمیسیون فولبرایت و غیره، همگی برنامه‌های وسیعی در جهت تحول ساختار آموزشی و اداری ارائه می‌کردند. پژوهش حاضر به مثابه تبیین مساله‌ای تاریخی مراحل نفوذ و سلطه ایالات متحده در ایران، برای شناخت بهتر ریشه‌های خصومت ایران و آمریکا حائز اهمیت است. لذا بررسی مراحل نفوذ و سلطه آمریکا بر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی است که در بعد کاربردی به واکاوی رویه‌های کم و کیف مناسبات کنونی ایران و ایالات متحده کمک می‌کند. این امر به نوبه خود به شناخت صحیح سیاست‌های جاری آمریکا بر ایران منتهی می‌شود.

۱. عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)

yaddollah_sepehri@yahoo.com

pendarmh@gmail.com

vahid.eari65@yahoo.com

۲. گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور واحد گرگان، گرگان، ایران

واژگان اصلی: نفوذ فرهنگی، دیپلماسی عمومی، سلطه فرهنگی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش.

مقدمه

دامنه روابط میان دو کشور می‌تواند از یک تماس فرهنگی ساده و دوستانه تا یک رابطه پیچیده چند بعدی، سلطه آمیز و مداخله‌گرایانه متفاوت و متنوع باشد. تاریخ روابط دو کشور معمولاً جریان مستمری است از فراز و فرودهای پی در پی که در گذر زمان و بر حسب شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی رخ می‌دهد. اما گاه در برخی برش‌های تاریخی خاص روابط دو کشور جذابیت و حساسیت مضاعف می‌یابد به گونه‌ای که تأثیرات رخدادها، مواضع و تصمیم‌گیری‌های آن دوران گاه تا سالیان متمادی در حافظه تاریخی مردم و دولتمردان آنها باقی مانده و بر روند حوادث آتی اثر می‌گذارد. این برهه‌های تاریخی خاص غالباً با یک دگرگونی مهم در عرصه داخلی یا خارجی آغاز گشته و با یک دگرگونی مهم دیگر پایان می‌یابند و شیب تندی از تغییر در جریان عادی روابط پیشین ایجاد می‌کند.

با آغاز جنگ جهانی دوم، امپریالیسم آمریکا با استفاده از خلاء قدرت جهانی و توان اقتصادی و پشتوانه فرهنگی مناسب، قدرت یافت. در آن زمان، دیپلماسی فرهنگی آمریکا در مورد ایران همسو با سیاست خارجی آن کشور قرار گرفت و روابط فرهنگی بر اساس دکترین روسای جمهور ایالات متحده تعیین شد. روابط فرهنگی ایران و آمریکا در سراسر دوره حکومت رضا شاه در دو زمینه فرهنگی با مدیریت سفارتخانه و با نظارت دستگاه دیپلماسی دو کشور و روابط فرهنگی میان علاقمندان به فرهنگ ایران در آمریکا و ایرانیان مقیم آمریکا ادامه یافت.

در دوران مصدق، محدودیت در دخالت سیاسی آمریکا در ایران، با فعالیت‌های گسترده فرهنگی روبرو بود. در واقع دیپلماسی فرهنگی، راهی برای نفوذ سیاسی موثر به‌شمار می‌رفت. آمریکایی‌ها به خوبی درک کرده بودند که موفقیت در جلوگیری از نفوذ کمونیست، تنها با تقویت روابط فرهنگی با ایران میسر خواهد شد. در جریان ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. روابط فرهنگی آمریکا و ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. دولت آمریکا تلاش می‌کرد تا با استفاده از پیشینه فرهنگی بین دو کشور، مشکلات سیاسی بین ایران و انگلیس را حل و فصل نماید و حوزه‌های نفوذ خود را با پشتوانه فرهنگی گسترش دهد.

در اهمیت و ضرورت روابط و مناسبات ایران و آمریکا می‌توان اینگونه بیان نمود که مناسبات دو کشور بیش از جنبه سیاسی و اقتصادی، رنگ فرهنگی داشت. ورود میسیونهای مذهبی آمریکا به ایران، انجام امور فرهنگی و آموزشی عام‌المنفعه در مناطق محروم و سپس شهرهای بزرگ کشور با

پیشینه تاریخی و فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی ویژه بانوان، سیاست‌های نفوذ ایالات متحده در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و مواردی دیگر، دستاوردهایی بود که آمریکا برای اهداف سیاست‌های خود در ایران از آن سود برد.

در سلطنت پهلوی دوران ۲۶ ساله‌ای از نفوذ، سلطه فرهنگی و اجتماعی آمریکایی‌ها در ایران را نظاره گریم. مواضع کنونی سیاست خارجی و نگرش غالبی که نسبت به قدرت‌های بزرگ بر سیاست خارجی کشورمان تأثیری تعیین‌کننده یافته است متأثر از این دوره ۲۶ ساله نیز هست، بنابراین درک مراحل نفوذ و سلطه فرهنگی آمریکا بر ایران، یاری‌گر شناخت صحیح‌تر سیاست کنونی ایران نسبت به ایالات متحده نیز هست. بر این اساس یافتن مراحل نفوذ و سلطه فرهنگی آمریکا بر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب برای موفقیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. این پژوهش به ابعاد و شناخت نفوذ فرهنگی آمریکا در ایران از انقلاب مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌پردازد. همچنین شناخت مراحل سلطه فرهنگی آمریکا بر ایران از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی را دنبال می‌نماید. در خاتمه شناخت گسترش انقلاب اسلامی و شکست سلطه آمریکا بر ایران را بررسی می‌کند. به طور کلی بررسی سیر تکوین و نحوه آغاز و پیشرفت روابط دو کشور علاوه بر آنکه به لحاظ تاریخی حائز اهمیت است می‌تواند مبنایی برای شناخت حرکت‌های گذشته با هدف پی‌ریزی حرکت‌های آینده باشد. اما به طور اخص شناخت برخی از برش‌های تاریخی خاص که در جریان روابط دو کشور از حساسیت و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار بوده‌اند؛ می‌تواند همچون بسته‌هایی فشرده از تجارب ناب و ارزشمند فراروی تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی قرار گرفته و علاوه بر روشن کردن زوایای مبهم و تاریک گذشته به شناخت عمیق و دقیق وضعیت جاری در مناسبات دو کشور نیز کمک نماید. از این منظر مطالعه روابط ایران و آمریکا و مراحل نفوذ و سلطه این کشور بر ایران در یک برش تاریخی بیست و شش ساله که سال‌های مابین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، را در بر می‌گیرد، از جذابیت و اهمیت بسیار برخوردار است. هدف از نگارش این مقاله شناخت زمینه‌های نفوذ و سلطه فرهنگی آمریکا بر ایران از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. تا پیروزی انقلاب اسلامی و در نهایت بررسی و تحلیل زمینه‌های شکست سلطه آمریکا و گسترش انقلاب اسلامی بر ایران خواهد بود. در این تحقیق بدنبال پاسخ به سئوالات زیر هستیم؛ دلایل نفوذ و سلطه فرهنگی آمریکا بر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی چه بود؟ روشهای نفوذ فرهنگی آمریکا در این ایام چگونه بود؟

نقشه راه آینده ملت در مقابله با این تهاجم ادامه‌دار امپریالیسم چیست؟

چهارچوب نظری پژوهش:

تاریخ گذشته مبنای چهارچوب نظری این تحقیق است. روابط ایران و آمریکا به صورت رسمی در دوره ناصرالدین شاه قاجار و به ابتکار میرزا تقی خان امیرکبیر برمی‌گردد. در آن زمان نفوذ و قدرت انگلیس و روسیه به گونه‌ای بود که مانع برقراری هر نوع مناسبات میان ایران و دیگر کشورها می‌شد؛ مناسبات ایران و آمریکا نیز از این نوع مانع‌تراشی‌ها برکنار نماند (روبین، ۱۳۶۳: ۱۴). این مانع‌تراشی‌ها باعث شد تا آمریکا با اعزام هیئت‌های تبلیغی مسیحی، درصدد نفوذ در ایران برآید. تا سال ۱۲۳۴ ش/ ۱۸۵۵ م تعداد این مبلغان در ایران به ۴۸ تن رسید (روبین، ۱۳۶۳: ۱۵). این افراد در چند سال فعالیت خود در ایران موفقیت زیادی به دست نیاوردند. آمریکا به همان اندازه‌ای که در ورود مستشاران نظامی تلاش می‌کرد، هیئت‌هایی با رویکرد فرهنگی به ایران می‌فرستاد و می‌کوشید از طریق آنان افکار عمومی ایران را هدایت کرده و بر جامعه ایران تأثیر بگذارد. این اقدام آمریکا با عنوان " برنامه فرهنگی امپریالیسم" در ایران معروف شد (گازیوروسکی، ۱۳۵۹: ۲۱۷). ایزنهاور سیاست سخت‌گیرانه‌تری در برابر نفوذ شوروی در جهان، به ویژه در غرب آسیا و ایران داشت و به محمد مصدق چون تهدیدی علیه منافع خود و بستری برای نفوذ شوروی در ایران نگاه می‌کرد. در آن زمان انگلستان به این جمع‌بندی رسیده بود که عملی کردن کودتا بدون کمک دولت آمریکا غیرممکن خواهد بود؛ به همین دلیل در دی ۱۳۳۱ ش دو قدرت به این نتیجه رسیدند که باید نیروهای خود را برای برکناری مصدق از قدرت و انتصاب سرلشکر فضل‌الله زاهدی به سمت نخست‌وزیری بسیج کنند. (فوران، ۱۳۷۷: ۴۴۲).

آمریکایی‌ها از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تلاش کردند با استفاده از رویکردهای جدید سلطه بین‌المللی، و با ایجاد تفرقه در عناصر مؤثر در ایران زمینه نفوذ و سلطه پیوسته خود را فراهم نمایند، هدفی که با برنامه ریزی و ایجاد کودتا تحقق یافت (جعفری و پاینده، ۱۳۹۵).

کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که توسط سازمان سیا برنامه ریزی شد، به رغم تصورات مثبتی بود که در دولت ایران درباره نقش مثبت ایالات متحده در حل و فصل قضیه نفت ایران بوجود آمده بود.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولتمدان ایرانی و در رأس آنان شاه را بر این واقعیت واقف کرده بود که تا زمانی می‌توانند حاکم در رأس قدرت قرار بگیرند که به حمایت و پشتیبانی قدرت‌های خارجی پشتگرم باشند، وگرنه از قدرت کنار خواهند رفت. در واقع دولت آمریکا از نیاز اقتصادی ایران برای

حل بحران نفت سوء استفاده می‌کرد و اساساً یکی از اهداف کودتا تأمین چنین هدفی بود و آمریکا و انگلستان در این زمینه اتفاق نظر داشتند. اما آنچه که باید در نظر گرفت این است که در طول ۲۶ سال سلطه و نفوذ آمریکا بر ایران از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ اقتصاد کشاورزان ایران به کلی نابود شد و پس از آن وابستگی ایران به غرب در تمام ابعاد رقم خورد و از این طریق برای ۲۶ سال، ایران نگهبان و حافظ منافع آمریکا در یکی از مهمترین مناطق جهان یعنی غرب آسیا و خلیج فارس گردید. ویلیام کولبی (رئیس سیا) بارها اعلام کرده بود که گزینش شاه و تحمیل او بر مردم ایران، یکی از پرافتخارترین دستاوردها برای سیاست خارجی آمریکا بوده است زیرا که شاه به مدت ۲۶ سال، خدمات خوبی به آن‌ها داده است. (واعظی، ۱۳۸۱).

در طی دهه‌های گذشته تحلیل‌گران روابط ایران و آمریکا نظریات مختلفی در خصوص علت اصلی خصومت دو کشور ارائه کرده‌اند. برخی تحلیل‌گران علت اصلی خصومت دو کشور را تضاد و تعارض دیدگاه‌های دو کشور دانسته و عقیده دارند این تعارض ایدئولوژیک دو نوع نگاه کاملاً متفاوت در خصوص مسایل سیاسی ایجاد کرده و به عدم تفاهات دو کشور دامن زده است. گروهی دیگر از تحلیل‌گران رقابت‌های ژئوپلیتیک در منطقه غرب آسیا و تقابل نقشه‌ها و منافع (به ویژه منافع امنیتی و اقتصادی) دو کشور در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس را در مرکز تحلیل خود قرار می‌دهند. دسته‌ای دیگر از تحلیل‌گران بر علل فرهنگی و روانشناختی تمرکز کرده و علت اصلی خصومت پایدار دو کشور را در مبانی فکری، ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت آنان جستجو می‌کنند. برخی از تحلیل‌گران نیز بر تأثیر رویدادهای تاریخی خاص تأکید کرده و معتقدند یک تحلیل تاریخی دقیق می‌تواند به یافتن ریشه‌های خصومت ایران و آمریکا کمک کند. به عقیده آنان برخی از رویدادهای تاریخی خاص و به عبارت بهتر برخی از برش‌های تاریخی خاص که در حد فاصل رویدادهای مهم داخلی و بین‌المللی قرار گرفته‌اند چنان تأثیر عمیق و پایداری بر حافظه تاریخی مردمان و دولتمردان کشورها می‌گذارند که آثار آنها تا سالیان، دهه‌ها و گاه حتی تا قرن‌ها بعد باقی‌مانده و تار و پود روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مفاهیم اساسی

فرهنگ: فرهنگ مقوله‌ای پیچیده است که دارای ابعاد و عناصری مختلف است، تعاریف متعدد و گوناگونی نیز از آن بعمل آمده است. در تعریف فرهنگ به طور معمول به عباراتی مانند "نظام معنا"،

"الگوی معنا"، "نظامی از برداشت‌ها" معنای عمومی و مشترک"، نوعی جهان بینی"، " برداشت ذهنی از واقعیت"، "نظم ذهنی"، الگو یا استانداردهای مشترک تفسیر یا ادراک" و از این قبیل برمی‌خوریم (عصاره و حسنی بیدخت، ۱۳۹۳).

تهاجم فرهنگی: تهاجم فرهنگی حرکتی است مرموزانه، حساب شده، همراه با برنامه‌ریزی دقیق که با به‌کارگیری شیوه‌های متعدد و متنوع برای سست‌کردن باورها، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف اندیشه‌ها و تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر یک جامعه انجام می‌گیرد. تهاجم فرهنگی هجومی است از سوی یک نظام فرهنگی خاص به نظام فرهنگی دیگر که از طریق شیوه‌ها و ابزارهای خاص نرم افزاری به صورتی یک جانبه و ناگهانی صورت می‌گیرد و هدف اساسی آن جایگزینی ارزش‌ها، روش‌های زندگی، اخلاقیات و نظام فکری فرهنگی مهاجم به جای ارزش‌ها و عقاید، روش زندگی و نظام فکری مکتب هدف صورت می‌گیرد.

کودتای ۲۸ مرداد: آمریکا و انگلستان برای برکناری مصدق طی مدتی طولانی به طرق و وسایل سیاسی (عمدتا شاه و مجلس) متکی بودند. اما پس از قیام ۳۰ تیر و حمایت مردم از مصدق به این نتیجه رسیدند که برکناری قطعی و دائمی او از صحنه قدرت جز از طریق یک کودتای تمام عیار نظامی امکان پذیر نیست. اگرچه ریزه‌کاری‌های آخری این کودتا تا اواخر سال ۱۳۳۱ هنوز قطعی و نهایی نشده بود، اما این دو کشور بلافاصله پس از بازگشت پیروزمندانه مصدق به قدرت در تابستان ۱۳۳۱ به فکر کودتا افتادند. برای رسیدن به این هدف، هر یک از این دو کشور امکانات و آورده‌های ویژه خود را را روی میز قرار دادند. این کودتا که با طرح و حمایت مالی و اجرایی سازمان مخفی اطلاعات بریتانیا و آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا بر ضد دولت محمد مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به انجام رسید و در پی موفقیت کودتا و سقوط کابینه دوم دولت ملی دکتر مصدق، سرلشکر فضل‌الله زاهدی عهده‌دار تشکیل کابینه جدید شد.

۱- نفوذ و سلطه آمریکا بر ایران تا پیروزی انقلاب اسلامی با تأکید بر مناسبات فرهنگی

۱-۱ مناسبات زمینه ساز فرهنگی بین ایران و آمریکا

به طور کلی در زمان ریاست جمهوری ترومن ۱۹۴۵-۱۹۵۲ سیاست خارجی جدید آمریکا درباره ایران طراحی و اجرا شد و با اعطای کمک‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی، ایران در سیستم امنیت منطقه‌ای آمریکا ادغام شد (بیگدلو، ۱۳۹۵: ۴۱).

بعد از ملی شدن نفت، دولت آمریکا جهت حضور در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران بیشترین

بهره‌برداری را نمود. رهبران نهضت ملی احساس می‌کردند که از رقابت بین انگلستان و آمریکا و با استفاده از ابزار تهدید کمونیسم می‌توانند به آزادی‌خواهی و حقوق بشر آمریکایی دست یابند. ملی شدن صنعت نفت بر اساس مواضع آمریکا به سه مرحله قابل تقسیم است: مرحله‌ی اول از اواسط ۱۳۲۹ تا فروردین ۱۳۳۰ ش. است که کارشناسان اقتصادی آمریکا عملاً ایران را به ایستادگی در مقابل انگلیس و احقاق حق خود تشویق می‌کردند. مرحله‌ی دوم حل مسالمت آمیز اختلافات ایران و انگلیس با میانجیگری آمریکا بود. در مرحله‌ی سوم آیزنهاور با دولت انگلستان همسو گشت و با تضعیف جایگاه مصدق و حامیان وی، طراحی و اجرای کودتا را بر عهده گرفت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و آمریکا به نهایت گسترش خود رسید. رژیم پهلوی پس از کودتا سطح وابستگی‌اش به آمریکا بیشتر از گذشته شد و این در حالی بود که مجموع کمک‌های نظامی آمریکا بین سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۲ ش. به ۴۳۶ میلیون و کمک‌های اقتصادی به ۶۱۱ میلیون دلار می‌رسید. طی این مدت تعداد زیادی از افسران ارتش در دانشگاه‌ها و مدارس نظامی آمریکا و اروپا دوره‌های تخصصی نظامی را طی نمودند و بیش از ۲۵۰۰۰ افسر و درجه‌دار ایرانی در کلاس‌های زبان انگلیسی ثبت نام کرده و استفاده از سلاح‌های جدید را فرا گرفتند (بیگدلو، ۱۳۹۵: ۴۳).

۲-۱- شیوه‌های نفوذ فرهنگی آمریکا در ایران

۲-۱-۱- نفوذ در برنامه‌های آموزشی و انتخاب نخبگان

ایالات متحده در قرن نوزدهم جهت حفظ هژمونی خود در سطح منطقه و جهان، از یک سری فعالیت‌های سیاسی-ایدئولوژیک برای نفوذ خویش بهره برد. بدین منظور برای شناسایی مناطقی در جهت ترویج دین مسیحیت در ایران، افرادی را روانه نمود. این گروه پس از آن که مأموریت خویش را به اتمام می‌رسانند به کشور خویش باز می‌گردند و پس از آن، جمعیت مبشرین پروتستانی آمریکا، هیأتی را به ریاست کشیش "پرکینز" روانه ایران می‌کند. (بیل، ۱۳۷۱، ۲۱؛ موجانی، ۱۳۸۴؛ ۳۴).

در سال‌های بعد، ایالات متحده رفتاری دیگر را نیز در پیش گرفت تا از طریق آموزش و پرورش بتواند نسلی را تربیت نماید که بعداً به عنوان مجریان سیاست‌های آمریکا در ایران باشند. بدین منظور افرادی را پس از ورود هیأت‌های مذهبی به ایران گسیل کرد تا در فکر نوجوانان و جوانان ایرانی رسوخ و نفوذ بیشتری داشته باشند. این گروه به تأسیس مدارس در تبریز (مدرسه پرسبیتی) و تهران

پرداختند (موجانی، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۸). این شیوه برای نفوذ تا پایان دوره‌ی پهلوی نیز ادامه داشت. علی‌امینی نخست وزیر وقت، که از تحصیل‌کردگان در آمریکا به شمار می‌رفت، پس از ورودش به ایران به عنوان یکی از فعالین سیاسی علیه حکومت شاه به شمار رفت که از سیاست‌های نظامی پهلوی دوم انتقاد می‌کرد، اما بعداً در سال ۱۳۴۰.ش با روی کار آمدن جان اف. کندی، رئیس‌جمهور سابق آمریکا و به پیشنهاد وی به نخست‌وزیری رسید، تا بتواند اصلاحات مورد نظر آمریکائیان برای تشدید نفوذ در ایران را اجرایی کند. نمونه‌ی دیگر آن، روی کار آمدن اسدالله علم برای اجرای لایحه‌ای غیر اسلامی بود، دانست.

فرایند مدرن‌سازی و الگوگیری نظام آموزشی در ایران همواره مطرح بوده است. ایرانیان از دوره قاجاریه از یک طرف بر مدرن‌سازی نظام آموزشی تأکید می‌کردند و آن را زمینه‌ای برای پیشرفت و به‌دست‌آوردن دانش و تکنولوژی اروپایی می‌دانستند. مدرن‌سازی برنامه آموزشی با هدف تخریب سیستم سنتی بود. زیرا نظام آموزشی در ایران از گذشته با آموزش و تربیت دینی و سنتی در پیوند بود. برنامه و سیستم آموزش غربی آشکارا روشی جهت تخریب فرهنگ و آموزش دینی و سنتی محسوب می‌شد (رینگر، ترجمه حقیقت‌جو، ۱۳۸۱: ۲۴).

۲-۲-۱- استفاده از رسانه‌ها در تبلیغ فرهنگ غربی

یکی دیگر از اقدامات نفوذ فرهنگی آمریکا در ایران، بهره‌گیری از دیپلماسی رسانه‌ای بود. هفته‌نامه‌ی اخبار هفته به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی در راستای نفوذ و رسوخ ارزش‌ها و برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی انتشار یافت. انتشار این نشریه در سال‌های فعالیت اصل چهار در ایران تداوم یافت. با یک بررسی و تحلیل مقدماتی از محتوای نشریه، مهم‌ترین محورهای آن رابه شرح ذیل می‌توان برشمرد:

تلاش در جهت ارائه سیمایی پیشرفته، جامعه‌ای دموکراتیک همراه با آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از آمریکا، ارائه‌ی تصویری منفی، خشن، عقب مانده و همراه با دیکتاتوری از جوامع و نظام کمونیستی، تبلیغ سبک زندگی آمریکایی به‌عنوان الگوی نوین و برتر زندگی، تبلیغ پیشرفت‌های علمی و صنعتی آمریکا به عنوان پیشرفته‌ترین کشور جهان، تبلیغ و پشتیبانی از برنامه‌های صدا آمریکا و انجمن ایران و آمریکا، تبلیغ و ارائه‌ی گزارش‌های مفصل از اقدامات اصل چهار در ایران، گزارش مهم‌ترین تحولات سیاسی و فرهنگی آمریکا در ایران، معرفی شخصیت‌های برجسته علمی و

فرهنگی آمریکا، معرفی دانشگاه‌ها و سیستم دانشگاهی آمریکا به عنوان بهترین و معتبرترین دانشگاه‌ها و سیستم آموزشی، معرفی زیبایی‌ها و مناطق دیدنی و گردشگری آمریکا، ارائه‌ی تصویری مثبت از شاه و دربار به عنوان افرادی که در راستای پیشرفت و آبادانی ایران تلاش و با آمریکا در این جهت همکاری می‌کنند.

رادیو صدای آمریکا یکی از این ابزارهای تأثیرگذار بود. به دنبال افزایش شمار مستشاران نظامی آمریکایی در ایران، رادیو صدای آمریکا با پخش روزانه دو ساعت موسیقی کار خود را شروع کرد. هدف این رادیو که تهیه و اجرای آن توسط سفارت آمریکا در ایران صورت می‌گرفت، پشتیبانی از سیاست‌های نظامی، اقتصادی و اجتماعی آمریکا در ایران و هدایت افکار عمومی ایران به نفع آمریکا و نیز ایجاد نوعی امنیت اجتماعی برای مستشاران آمریکا در ایران بود (محمدی، ۱۳۹۴: ۶۸).

۳-۲-۱- انجمنها و کانونها:

الف) کانون مترقی

برای روی کار آمدن کانون مترقی، شاه و آمریکا به توافق نهایی رسیده بودند و هر کدام اهداف خاصی را دنبال می‌کردند. آمریکایی‌ها سعی می‌کردند که از طریق این افراد تحصیل کرده و روشنفکران نسل جدید، چهره‌ی مخدوش خود را سر و صورتی بدهند. در گزارش استیوارد راکول صراحتاً به این مسئله که نسل جوان و دانش‌جویان، آمریکا را شریک جرم رژیم شاه می‌دانند و احساسات آنها نسبت به آمریکا تنفر آمیز است، اظهار می‌دارد که می‌توانیم از طریق تربیت و روی کار آمدن نسل جدیدی از نخبگان وجهه‌ی خود را بهبود ببخشیم. ضمن اینکه هدف نهایی آمریکا هدایت روند اقتصادی و اجتماعی کشور در راستای نوسازی مورد نظر آمریکا و تامین منافع همه جانبه‌ی آن کشور بود (بیگدلو، ۱۳۹۵).

به طور کلی در این بازه زمانی، کانون‌هایی برای شناسایی نخبگان و شخصیت‌های با استعداد و هدایت آنها در درون شبکه‌های مورد نظر بوده است و گرچه در عصری که هیچ‌گونه تجمعی بدون اجازه و نظارت ساواک امکان پذیر نبود، چگونگی تشکیل این دوره‌ها محل بحث می‌تواند قرار گیرد. کانون مترقی و سپس حزب ایران نوین با فعالیت‌های خود در زمینه‌ی جذب نخبگان توانست در رقابت با دیگر دوره‌ها موقعیت برتر را بدست آورد و توجه محافل آمریکایی و شاه را به خود جذب کند (همان، ۱۳۹۵).

ب) انجمن ایران و آمریکا

در اردیبهشت ۱۳۰۴ ش. مقدر شد در دیپلماسی فرهنگی و ارتباطی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در ایران انجمنی با عنوان انجمن ایران و آمریکا و با حضور جمعی از نخبگان ایرانی بنیانگذاری گردید. هدف از تشکیل انجمن تشریک مساعی جهت توسعه روابط بین دو کشور و معرفی حیات فرهنگی و اجتماعی آمریکابه ایران و بالعکس بوده است. اهداف انجمن بر اساس اساسنامه آن عبارت بود از: بسط روابط دوستانه و تفاهم بین دو ملت ایران و آمریکا، شناساندن زندگی اجتماعی، علمی، ادبی و فرهنگی، اقتصادی و آموزشی، کوشش در توسعه روابط ادبی، علمی، هنری و اقتصادی بین مردم دو کشور و کمک به موسسات علمی و فرهنگی که در ایران و آمریکا به این منظور تشکیل شده است.، کمک به ایرانیان مبرزو صلاحیت داری که به آمریکا می‌رود، کمک به آمریکایی‌های برجسته برای مسافرت به ایران (آشنا، ۱۳۸۴: ۱۶)

ج) سپاهیان صلح:

در راستای دیپلماسی فرهنگی و بهبود وجهی آمریکا در جهان سوم برنامه‌ای با هدف اتحاد برای پیشرفت با عنوان سپاهیان صلح پیشنهاد شد. داوطلبان این جمعیت را جوانان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکایی تشکیل می‌دادند که به صورت داوطلبانه به این گروه پیوسته و بعد از آموزش‌های لازم به کشورهای دیگر اعزام می‌شدند. داوطلبان سپاهیان صلح با ورود به شهرها و روستاها در مدارس و ادارت در ایران و دیگر کشورها با آنها زندگی و در کار و آموزش آنها را کمک می‌کردند. کمک به تفاهم بیشتر ملت‌ها، کمک به رفع نیازهای آنها و صدور فرهنگ و شیوه‌ی زندگی آمریکایی از اهداف عمده‌ی سپاهیان صلح به شمار می‌رفت. اعزام سپاهیان صلح به جهت مبارزه با فقر، استبداد و بیماری‌ها در کشورهای جهان سوم و به صورت یک‌طرفه از سوی آمریکاییان صورت می‌گرفت (اسناد ملی ایران، سند: ۲۰۳۱۸-۲۹۷).

د) بنیاد فولبرایت

پس از پایان جنگ جهانی دوم، سناتور ویلیام جیمز فولبرایت پیشنهاد کمیسیونی برای مبادلات آموزشی- فرهنگی در کشورهای مورد نظر خود را به کنگره ارائه داد که به تصویب رسید. برنامه مبادلات فرهنگی به این منظور طراحی شده بود تا دانشجویان و محققان و استادان دانشگاه‌های دیگر

کشورها برای تحصیل، مطالعه و کسب تجربیات به آمریکا رفته و استادان و محققان آمریکایی نیز به این منظور به کشورهای دیگر اعزام شوند. این کمیسیون تحت عنوان بنیاد فولبرایت معروف شد و با هدف ایجاد تفاهم بیشتر بین عموم ملل جهان، به ویژه ایرانیان و فراهم آوردن زمینه مناسب برای آگاهی ملل جهان از نیت و مقاصد یکدیگر شکل گرفت. ایران نخستین کشوری بود که در غرب آسیا به این بنیاد پیوست و موافقت‌نامه‌ی مربوطه در ۱۳۲۸ ش. در وزارت امور خارجه ایران به امضاء رسید (بیگدلو، ۱۳۹۵: ۹۵).

در گزارش عملکرد سال ۱۹۶۲ م. کمیسیون فولبرایت با تأکید بر نقش برنامه‌های فرهنگی در پیشبرد اهداف و سیاست آمریکا، اهداف اساسی آن را آموزش رهبران، متخصصان، معلمان و جوانان از طبقه متوسط؛ تشویق به ایجاد تخصص‌ها و حرفه‌های جدید؛ استمرار نشانه‌های علاقه به منافع آمریکا در میان ایرانیان؛ کمک به رشد آموزش متوسطه؛ کمک به تبلیغ زبان انگلیسی به عنوان ابزار رشد و گسترش ارتباط با جهان خارج کمک به رشد آموزش عالی و تقویت بنیه‌ی علمی دانشجویان ذکر نموده است (بیگدلو، ۱۳۹۵: ۹۶).

ه) تشکل دوستداران آمریکایی غرب آسیا و اعزام دانشجوی به آمریکا

این انجمن از تشکل‌های آمریکایی محسوب می‌شد که با پیش‌زمینه فرهنگی در ایران فعالیت می‌کرد. این تشکل، انجمنی خصوصی و غیر انتفاعی بود که در سال ۱۳۲۰ ش. در آمریکا تاسیس شد و اهداف اصلی خود را در بهبود تفاهم بین مردم آمریکا و کشورهای غرب آسیا قرار داده بود. این موسسه مانند یکی از سازمان‌های فرا منطقه‌ای سازمان سیا عمل می‌کرد (قاسم‌پور، ۱۳۸۷: ۲۵). افتتاح دفتر این انجمن در ۱۳۳۲ ش. در تهران صورت گرفت و از مهم‌ترین برنامه‌های این انجمن می‌توان به ارائه مشاوره و راهنمایی به متقاضیان تحصیل در آمریکا، به کارگیری منابع فردی، کمک به دانشجویان برای کسب و شغل و انطباق با محیط پس از بازگشت به ایران اشاره نمود (گازیوروسکی، ۱۳۵۹: ۲۲۰). همچنین از دیگر فعالیت‌های انجمن دوستداران آمریکایی غرب آسیا، پشتیبانی و حمایت از برخی تشکل‌ها و سازمان‌های ایرانی و ایرانی - آمریکایی بود از جمله: انجمن ایران و آمریکا، سازمان پیشاهنگی پسران تهران، باشگاه بین‌المللی نهر بازرگانان و باشگاه روتاری، که با رویکرد فرهنگی فعالیت می‌کردند (همان، ۱۳۷۱: ۲۲۱).

این انجمن از فعال‌ترین تشکل‌های آمریکایی در اعزام و تربیت دانشجوی بود. ر سال‌های بعد، فرایند

تحصیل در آمریکا رو به فزونی گرفت و در سال ۱۳۳۷ ش. آمار ایرانیان پذیرش شده توسط این موسسه از مرز ۶۰۰ نفر فراتر رفت. با تلاش‌های این موسسه، تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی جهت تحصیل در دانشگاه‌های آمریکایی راهی آمریکا شدند (همان، ۱۳۷۱: ۲۷۴).

و) موسسه فرانکلین و نفوذ در حوزه کتاب

پیدایش و تکوین فرانکلین بر حسب نیازها و اقتضای دوران جنگ سرد بود. در این دوران که نیاز شدیدی به مقابله با کمونیسم و افکار و اندیشه‌های ناشی از آن احساس می‌شد، با همکاری چند ناشر بزرگ آمریکایی که مورد حمایت و معافیت مالیاتی دولت آمریکا قرار گرفتند موسسه‌ی برنامه‌ی فرانکلین را در سال ۱۹۵۲ به مدیریت دانوس اسمیت وزیر سابق انتشارات دانشگاه پرینستون ایجاد کردند (بیات، ۱۳۷۴: ۵۶). دایر شدن نمایندگی موسسه فرانکلین در تهران در سال ۱۳۳۲ ش. یکی از فعالیت‌های فرهنگی آمریکا در ایران بود. هدف این موسسه دستیابی به تأثیرگذاری بر روی افکار عمومی، نخبگان بود.

ز) بنیاد خاور نزدیک:

بنیاد خاور نزدیک در سال ۱۹۱۵م. در نیویورک تأسیس گردید. این بنیاد در زمینه‌ی کمک به بازگشت و اسکان مهاجرین در غرب آسیا فعالیت داشت و بالاخص منطقه‌ی آذربایجان ایران هم از مناطقی بود که این سازمان به شدت در آن فعال بود. بنیاد خاور نزدیک به عنوان یک بنیاد غیرانتفاعی از سال ۱۳۲۲ش. تحقیقات خود را در زمینه‌ی مسائل ایران آغاز کرد (ایزدی، ۱۳۹۰: ۳۹).

در سال ۱۳۴۰ش. انعقاد موافقت‌نامه بنیاد خاور نزدیک با وزارت آموزش و پرورش در زمینه‌ی تربیت معلم و آموزش راهنمایی با هدف برنامه‌ریزی و اجرای نیازهای آموزشی ایران صورت گرفت که عمده‌ی هزینه آن بر عهده بنیاد بوده است. این بنگاه آموزش‌هایی در زمینه‌ی آشپزی، خیاطی، خانه‌داری، تربیت کودکان، آموزش‌های عملی به کشاورزان، ملاقات با روستاییان و تشویق آن‌ها به استفاده از ماشین‌آلات جدید، کاشت سبزیجات و درختان، حفر چاه‌های عمیق، اصلاح بذر و تهیه‌ی طرح‌های عمرانی، بهبود وضعیت بهداشتی از جمله آب آشامیدنی و ... ارائه می‌داد (همان، ۱۳۹۰: ۴۱).

ح) میسیون آمریکایی و سازمان البرز:

این میسیون که ادامه‌دهنده راه میسیون‌های اولیه‌ی آمریکایی در ایران بود، در ۱۹ آذر ۱۳۳۹ش. به ریاست جان الدر در تهران به ثبت رسید. در سال ۱۳۴۷ش. هم اجازه‌ی تأسیس کودکستان، دبستان و دبیرستان به میسیون آمریکایی در تهران داده شد (آشنا، ۱۳۸۶: ۶۳). یکی از اقدامات این میسیون راه‌اندازی سازمان فرهنگی البرز بوده است.

ط) شورای روابط خارجی آمریکا

بر خلاف بسیاری از کشورها، دولت و هیئت حاکمه در آمریکا نماینده‌ی طبقه بالای جامعه است. صاحبان قدرت و ثروت در آمریکا که از آنها با نام دولت نامرئی یاد می‌شود، در شکل‌دهی ترکیب هیئت حاکمه و تعیین چهر چوب کلی سیاست داخلی و خارجی آن کشور نقش عمده‌ای دارند. صاحبان قدرت و ثروت در جامعه آمریکا ابزارها و نهادهای متعددی برای ترسیم سیاست داخلی و به ویژه خارجی آمریکا در دست دارند، که یکی از آنها شورای روابط خارجی آمریکا است. این شورا که سازمانی نیمه سری و تشکیلاتی بسیار ناشناخته است، اعضای آن نه تنها اصول کلی سیاست خارجی آمریکا را تعیین می‌کنند، بلکه اعضای آن بر تار و پود وزارت خارجه هم چنگ انداخته‌اند (آلن، ۱۳۶۵: ۱۴۹).

۴-۲-۱- نفوذ به بهانه مطالعات ایران شناسی

همواره مطالعات شرق شناسی با سیاست‌های استعماری مستشرقان ارتباط زیادی داشته است. به طور کلی رابطه‌ی بین این دو مقوله امروزه کاملاً بدیهی و آشکار شده است. اگر کلیت شرق‌شناسی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، کاملاً آشکار می‌شود که شرق‌شناسی معطوف به اهداف و کارکردهای کاملاً مشخص سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. هر چند کشورهای استعمارگری چون انگلیس و فرانسه در امر شرق‌شناسی مقدم بودند، اما بعد از جنگ جهانی اول ضرورت شناسایی شرق برای ایجاد سلطه بر آن در برنامه‌های دولت آمریکا قرار گرفت و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم موسسات مطالعات شرق‌شناسی با نام مطالعات منطقه‌ای به شدت گسترش یافت. در پی جنگ جهانی و مهاجرت بسیاری از شرق‌شناسان اروپایی به آمریکا، اکثریت آنها در موسسات شرق‌شناسی آمریکایی جذب شده و گفتمان شرق‌شناسی را که عمدتاً مبتنی بر غرب محوری، نژادگرایی و اسلام‌ستیزی بود، تداوم بخشیدند (سعید، ۱۳۷۱: ۱۶).

۲- راهکارهایی جهت مقابله با تهاجم فرهنگی آمریکا و امپریالیسم جهانی

۲-۱- عمل به رهنمودهای امام و رهبری

سخنرانیهای امام خمینی در اوایل انقلاب راه‌گشای مقابله فرهنگی با امپریالیسم بود:

- دانشگاه‌هایتان جوری نشود که برنامه‌هایش جوانهای ما را بد بار بیاورد. (۲۹۱: امام خمینی، ۱۳۸۹).

- مسامحه و سهل‌انگاری در تربیت و تعلیم، خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می‌باشد و باید از آن احتراز کرد (۳: امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷).

- به دوستان دیگر بپيوندید و با شعار توحید و اسلام، دست ... گروه نفتخوار را از کشور خود قطع کنید (امام خمینی، ۱۳۷۱: سخنرانی ۴ آبان ۱۳۵۷).

امام خامنه‌ای نیز در سخنرانی‌های خویش بارها بر این اصل تأکید نموده‌اند که با توجه قوی به بخش فرهنگ و فرهنگ‌سازی انقلابی و اسلامی در جامعه می‌توان خیلی از مشکلات کشور را حل نمود به فرموده ایشان این روش و طریق خستی‌کردن جنگ روانی و کار فرهنگی را مساوی با جهاد در راه حق می‌دانند. بر اساس رهنمودهای ایشان مسوولین باید آن گونه که شایسته است به ترویج ارزش‌های دینی و واقعیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بپردازند و به مردم نشان دهند که جامعه‌ی ما دچار هجوم فرهنگی یا به تعبیر ایشان "تهاجم فرهنگی" شده است. تقویت رسانه‌های ملی و فراملی را برای جهت‌دهی به افکار عمومی و مهندسی حائز اهمیت تلقی می‌شود (سپهری، ۱۳۹۶: ۱۳۳-۱۳۲ و هاشمی، ۱۳۹۰، ۳۰۸-۳۰۷) و در این باره می‌فرمایند: «اگر می‌توانستیم پیام‌هایی را که باید به ذهن مردم منتقل شود درست بشناسیم، بعد آن‌ها را تولید کنیم و سپس با مدیریت صحیح، توزیع و پخش کنیم، آن وقت افکار عمومی در اختیار ما، یعنی در اختیار آن جمعی است که این کار بزرگ را انجام می‌دهند. آن چه که ما انتظار داریم این است.» (قدسی، ۱۳۹۰، ۷۸). مقام معظم رهبری بارها مردم را به بصیرت‌افزایی در برابر توطئه‌های دشمنان فرا خوانده، و سالم ماندن جامعه اسلامی ایران را در گرو حمایت و پشتیبانی مردم ایران معرفی نموده‌اند و همیشه سعی نمودند با مولفه‌های ایدئولوژیکی اسلامی مردم را به وحدت فراخوانند و با ایجاد گفتمان‌های جمهوری اسلامی، اسلام ناب محمدی (ص)، بسیج، گفتمان نه شرقی نه غربی و گفتمان خواص و عوام، ریزش و رویش،

خودی و غیر خودی، اصولگرایی و اصولگرایی مصلحانه، مردم سالاری دینی، معنویت‌گرایی و همبستگی ملی، جامعه‌ی اسلامی را به سوی کمال مطلوب و کارآمدی حاکمیت دینی نظام جمهوری اسلامی، هدایت کنند (فتحعلی زاده، ۱۳۹۰، ۵۵).

۲-۲- پرورش نخبگان متعهد:

بالا رفتن آگاهی سیاسی جامعه و افزایش حس مسوولیت و مشارکت مردم و به ویژه جوانان در انتخابات، ضرورت توجه به نخبه‌پروری سیاسی را نمایان می‌سازد. که این مشخصه‌هایی مانند توجه به زمان و فرصت‌های موجود و تعهد به قانون و حساس بودن نسبت به آینده خود و جامعه را به همراه دارد و از همه مهم‌تر توجه به خدا، ساده‌زیستی، قاطعیت در برابر دشمن، دفاع از هویت اسلامی و بومی و تکلیف‌گرایی نیز باید در این امر مدنظر قرار گیرد. به همین دلیل توجهات ویژه‌ای از سوی امام خامنه‌ای به دانشگاه‌ها و گروه‌ها و تشکلات سیاسی شده است که آنان بالقوه مدیریت این نظام را بر عهده دارند (هاشمی، ۱۳۹۰، ۳۱۷) و در رابطه با مسوولین نظام می‌توان گفت که ایشان همیشه آنان را از نفوذ دشمن در میان خویش بر حذر دانسته و عدول از تفکرات انقلابی و آرمان‌های انقلاب را از تهدیدات دشمن به شمار آورده و همواره سعی نموده‌اند که به مسوولین خاطر نشان سازند که به دشمن نباید اطمینان کرد و گول ظاهر عوام فریبانه‌ی آن را نخورد؛ زیرا دشمن با تعدیل روحیه‌ی انقلابی و دور کردن مردم از ارزش‌های انقلاب، سعی در به سلطه‌درآوردن ایران را در سر دارد. امروزه نیز می‌توان به سند "۲۰۳۰" اشاره کرد که دولت آمریکا خواست آن را به نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل نماید، تا جامعه‌ی اسلامی ایران نیز به سمت ارزش‌ها و باورهای غربی حرکت نماید اما با روشنگری‌های امام خامنه‌ای جلوی این اجرایی شدن این سند تا حدودی گرفته شده است. زیرا ایشان خاطر نشان کردند که این سند استقلال کشور ما را زیر سوال برده است (سپهری، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۱۳۳).

۲-۳- صدور پیام انقلاب :

با قرار گرفتن قدرت‌های استکباری در برابر جمهوری اسلامی ایران، پدیده صدور انقلاب اسلامی به غرب آسیا و جهان شکل گرفت. صدور پیام انقلاب در واقع، واکنشی در برابر تبلیغات سوء رسانه‌های غربی از انقلاب اسلامی و به طور خاص اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی بود. در این دوران جمهوری اسلامی ایران در تلاش بود با برقراری الگوی اسلامی ایران در مناطق شیعی و غیر شیعی و آموزش و

آگاه‌سازی آنان به ایجاد پایگاهی در سراسر جهان به گونه‌ای به تقابل با نظام استکباری غرب بپردازد. قابل ذکر است که این تلاش‌ها به نتیجه رسید و در زمینه‌هایی نیز به موفقیت‌هایی بدست آمد. (محمدی، ۱۳۸۵، ۷۲-۷۳) دلیل ما بر این ادعا نضج گرفتن جنبش‌های شیعی در سال ۲۰۱۱ م. در بحرین، الجزایر، یمن و عربستان می‌باشد که بر اساس شاخص‌های اندازه‌گیری میزان نفوذ ایران، ترکیه و عربستان در منطقه، براساس نظریه‌ی ژوزف نای به ترتیب، ۵۴، ۴۹ و ۳۷ می‌باشد (هرسیچ، ۱۳۹۱، ۱۱۱) به همین دلیل امروزه بسیاری از شیعیان به دلیل نفوذ تفکرات انقلابی ایران در کشورهایشان مورد تجاوز از سوی حکومت وقت و آمریکا و هم پیمانانشان شده است، که می‌توان به بمباران‌های عربستان بر سر مردم بی دفاع یمن و شیعیان عربستان، اشاره کرد (سپهری، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

صدور انقلاب اسلامی و ظهور پدیده بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی در برابر نظم استکباری حاکم به بحرانی برای ایادی کفر، آمریکا و شرکای غربی و عربی او مبدل گشت. سیاستمداران آمریکایی، منشأ پدیده بهار عربی و بیداری اسلامی را از انقلاب اسلامی ایران دانستند و پی بردند که با تضعیف شرکای عرب منطقه، هژمونی آن‌ها بر غرب آسیا کاهش خواهد یافت. در واقع جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب به عنوان الگوی مسلمانان منطقه و جهان تبدیل شد و این مهم موجبات کاهش سلطه آمریکا را فراهم آورد.

نتیجه‌گیری:

با بررسی شیوه‌های نفوذ این کشور در ایران عصر پهلوی بدین نتیجه دست می‌یابیم که تنها مسأله‌ای که برای امپریالیسم مهم است منابع سرشار ایران و بازار مصرف این کشور است زیرا موقعیت ویژه‌ای را برای کالاهای آنها در ایران فراهم کرده است و از طریقی او توانسته بود با دستیابی به ایران، به نفت مناسب و ارزان قیمت نیز دست پیدا کند. به همین خاطر بود که شبکه‌هایی از دست پروردگان خویش مانند بهائیان و عده‌ای از تحصیلکردگان در آمریکا را تربیت کرده بود تا به عنوان عوامل آمریکا در ایران انجام وظیفه نمایند و با وابسته کردن شاه به خود توانسته بود به منافع خویش در ایران دست پیدا کند و تنها مسأله‌ای که برای آمریکا مهم تلقی می‌نمود از میان رفتن نفوذش بود، به همین دلیل در برابر هر نوع جنبش مردمی در ایران ایستادگی نمود و تمام توان خود را برای نابودی آن به کار گرفت، که می‌توان به شکست نهضت ملی ایران در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش، اشاره نمود. این کودتا، زمینه نفوذ و سلطه آمریکا را بر حاکمیت ایران فراهم ساخت.

سلطه آمریکا بر ایران اهداف متعددی داشت. کشور ایران از لحاظ اهمیت در سیاست خارجی آمریکا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و پی‌گیری مسائل مرتبط با ایران از اولویت‌های دولت ایالات متحده محسوب می‌شد. سلطه بر مناطق نفت‌خیز جهان از جمله ایران از اهداف استراتژیک و مورد توجه کشورهای بزرگ جهان از جمله آمریکا بود. سیاست ایالات متحده مبتنی بر تحقق استراتژی سلطه بر خلیج‌فارس و غرب آسیا بود و به همین دلیل، ایران به یک هدف استراتژیک برای آمریکا تبدیل شد. حاکمیت و سلطه آمریکا در ابتدا به صورت سیاسی، اقتصادی و نظامی جلوه نمود، اما با نگاهی واقع‌بینانه، می‌توان دریافت تلاش‌های گسترده فرهنگی آمریکا در ایران، به‌عنوان راهبرد و استراتژی آمریکا در سیاست خارجی خود به‌شمار می‌رفت.

مقابله با نفوذ اسلام و روحانیت، تداوم سلطه ضمن تبلیغ چهره‌ای مثبت از آمریکا، امکان رقابت بر سر منافع استعماری با رقبای اروپایی، نفوذ فرهنگ آمریکایی و حذف فرهنگ ملی ایران، وابستگی شدید اقتصادی و ترویج ارزش‌های غربی، تحمیل فرهنگ و زندگی آمریکایی بخش دیگری از اهداف فرهنگی ایالات متحده به‌شمار می‌رفت.

آمریکا جهت پیشبرد اهداف فرهنگی خود در ایران اقدامات متعددی همچون، تأسیس مدارس ویژه، کتابخانه و کلیسا، انتشار نشریات، کتاب، فیلم، فعالیت انجمن‌های فرهنگی، به‌کارگیری مشاوران و متخصصان آمریکایی در دستگاه‌ها و مناطق مختلف، ساخت بیمارستان و تأمین بهداشت و معیشت قشر ضعیف جامعه، انجام داد، که بخشی از فعالیت‌ها در جهت تغییر و استحاله فرهنگی مردم ایران محسوب می‌شد.

پیام دهم آبان ۱۳۵۸ امام خمینی (س) به دانش‌آموزان، دانشگاهیان، طلاب و روحانیون در آستانه ۱۳ آبان‌ماه مبنی بر گسترش حملات خود علیه آمریکا و اسرائیل، دستمایه‌ای شد تا گروهی از نیروهای مسلمان دانشگاهی با نام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سفارت آمریکا در تهران را اشغال نمایند. تصرف سفارت آمریکا که در فرهنگ انقلاب اسلامی به «اشغال لانه جاسوسی» معروف شد، مورد حمایت امام خمینی (س) قرار گرفت و از طرف ایشان به نام انقلابی فراتر از انقلاب اول نامیده شد:

"و آن مرکزی هم که جوان‌های ما رفتند گرفتند- آن طور که اطلاع دادند- مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند، و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند. باز ریشه‌های فاسد به فعالیت افتاده بودند که ما هم دخالتی نکنیم و جوان‌ها را بگوییم که شما بیرون بیاید از آنجایی که رفتند... البته اگر توطئه نبود، اگر

این خرابکاری‌ها نبود، اگر آن کار فاسد نبود، همه مردم آزادند در اینجا موجود باشند. اما وقتی توطئه هست در کار، وقتی که آن طور کارهای فاسد انجام می‌گیرد، ناراحت می‌کند جوان‌های ما را. جوان‌ها توقع دارند در این دنیا که مملکتشان- که این قدر برایش زحمت کشیدند- دستشان باشد. وقتی می‌بینند توطئه است که می‌خواهند که دوباره برگردد به حال سابق و دوباره همه چیزشان به باد برود، نمی‌توانند بنشینند. توقع نباید باشد که آنها بنشینند تماشا کنند. و آنها چپاولگری‌هایشان را کردند، حالا توطئه‌هاشان را بکنند و رشد پیدا بکند این توطئه و چه بشود. جوان‌های ما باید با تمام توجه و با قدرت این توطئه‌ها را از بین ببرند" (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۴۹۱-۴۹۳).

در واقع مدیریت راهبردی امام خمینی (ره) در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط مردم، مثال‌زدنی است. ایشان برای آن‌که کسی شرایط را بحرانی‌تر نسازد و در مقابل این حرکت انقلابی، روحیه مردم را مأیوس نکند، بلافاصله پس از ختم واقعه مهر تأیید بر آن زدند و این عمل باعث شد که سیاست‌مداران روابط با آمریکا در مقابل این جریان سکوت نمایند (همان، ۱۳۷۹، ص ۴۱۲).

در واقع بعد از وقوع انقلاب اسلامی، تسخیر لانه جاسوسی یکی از مهم‌ترین علل و عوامل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران شمرده می‌شد. آمریکا که تا قبل از پیروزی انقلاب، کشور ایران را مکان ثبات می‌دانست، تمام امتیازات خود از جمله منابع فراوان از چپاول ثروت ملی، رونق تسلیحات نظامی، استفاده از قدرت ارتش ایران و ... از دست رفته دید.

حاکمیت و سلطه آمریکا به ظاهر سیاسی، اقتصادی و نظامی است. اما در یک نگاه دقیق‌تر مشخص می‌شود استحاله فرهنگی ملت‌ها و تغییر ساختارها و تداوم سلطه، اساس استراتژی آمریکا در سیاست خارجی است و نشان از رویکرد آمریکا به تلاش‌های گسترده فرهنگی در ایران و سایر کشورهای تحت سلطه می‌باشد.

در دوران پهلوی، دولت آمریکا توانست به راحتی منابع عظیم نفتی ایران را غارت نماید و از موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک ایران برای جاسوسی از شوروی و کشورهای منطقه بهره برد و با کمک حکومت پهلوی، جنبش‌های ضد آمریکایی در منطقه را سرکوب نموده و بدین طریق از منابع و موقعیت خویش در غرب آسیا حفاظت نماید.

به لحاظ تاریخی در سالهای مابین ۱۳۳۲ش. تا ۱۳۵۷ش. دو واقعه بزرگ تاریخی رخ داده است، که هرکدام به نوعی حائز اهمیت و تاثیرگذار هستند. در سال ۱۳۳۲ش.، به گونه‌ای نمادین، بیانگر پایان سلطه بریتانیا بر ایران و سرآغاز نفوذ گسترده ایالات متحده و همچنین کودتای ۲۸ مرداد است و سال ۱۳۵۷ش.

شاهد فروپاشی سلطه‌ی آمریکا و اعاده حاکمیت ایران پس از دهه‌ها نفوذ قدرت‌های بزرگ است.

کتابنامه:

۱. آشنا، حسام‌الدین، (۱۳۸۶)، دیپلماسی عمومی، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار و معاصر، تهران.
۲. اسناد لانه جاسوسی، (۱۳۸۶)، ج ۱۱-۱، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۳. آلن، گاری، (۱۳۶۵)، هیچ کس جرأت ندارد، ترجمه عبدالخلیل حاجتی، تهران، رسا.
۴. بیگدلو، رضا، (۱۳۹۵)، دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران در دوره پهلوی دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. بیل، جیمز ا، (۱۳۷۱)، عقاب و شیر، ترجمه فروزنده برلیان، تهران، نشر فاخته.
۶. جعفری، علی‌اکبر و پاینده، عظیمه، (۱۳۹۵)، نقش آمریکا در تفرقه‌افکنی در ایران در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ / ۱۹۴۱-۱۹۵۳، (۱۳۹۵)، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و ششم، دفتر اول.
۷. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۹)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)، جلد ۱۰، چاپ دوم.
۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱)، خلاصه مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی حضرت امام خمینی (س)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۹. روبین، باری، (۱۳۶۳)، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه: محمود مشرقی، تهران، انتشارات آشتیانی.
۱۰. رینگر، مونیکا. ام، (۱۳۸۱)، "آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوره قاجاریه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
۱۱. سپهری، بدالله، (۱۳۹۶)، رفتارشناسی آمریکا در قبال رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، جلد ۱۴، شماره ۴۹.
۱۲. سعید، ادوراد، (۱۳۷۱)، شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. عصاره، علیرضا و حسینی بیدخت، محسن، (۱۳۹۳)، واکاوی نقش توسعه موسسات آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم،

- شماره دوم.
۱۴. فتحعلی‌زاده، مجتبی، (۱۳۹۰)، نقش ولایت فقیه در مواجهه با جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی-تخصصی عملیات روانی، شماره ۳۰.
۱۵. فوران، جان، (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه: احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۶. قدسی، امیر، (۱۳۹۰)، نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۲.
۱۷. قاسم‌پور، داود، (۱۳۸۷)، جنبش دانشجویی در خارج از کشور؛ انجمن اسلامی، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. گازیوروسکی، ا. آ، (۱۳۵۹)، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز.
۱۹. محمدی، غلامحسین، (۱۳۹۴)، روابط فرهنگی ایران و آمریکا (تا پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷)، تهران، فردوس.
۲۰. محمدی، منوچهر، (۱۳۸۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. موجانی، سیدعلی، (۱۳۸۴)، بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۹۲۵-۱۸۵۱)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۲۲. واعظی، حسن، (۱۳۸۱)، ایران و آمریکا، تهران، سروش.
۲۳. هاشمی، سیدحمید، (۱۳۹۰)، جنگ نرم، نبرد در دنیای معاصر. تهران: دانشگاه تمدن ساز.
۲۴. هرسیچ، حسین؛ رحیمی، رئوف، (۱۳۹۱). تحلیل تطبیقی تأثیر تحولات سیاسی ۲۰۱۱ منطقه بر میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۷.